

به نام خدا

رساله دکتری سرکار خانم کتایون پلاسعیدی با عنوان "معناشناسی پیکرک های گیلان بر اساس نقوش اساطیری در اواخر هزاره دوم و نیمه نخست هزاره اول پیش از میلاد و مقایسه آن ها با آسیای میانه هم به لحاظ نوع موضوع و هم اهمیت در خورتوجه است.

ویژگی و اهمیت این رساله در دوره تاریخی ذکر شده گویای گسترش مفاهیم آئینی و مذهبی از سوی گیلان به سمت آسیای مرکزی است که چشم اندازی جدید را در فرایند تطبیقی و مقیاس اساطیری در این قلمرو جغرافیایی را ارائه می کند.

همانگونه که در متن رساله به آن اشاره شده است از سال های ۱۹۷۱ تا کنون پژوهش های باستان شناختی متعددی پیرامون پیکرک ها بر اساس یافته های باستان شناسی از محوطه های متمرکز در حوزه جغرافیایی گیلان صورت گرفته است لیکن شواهدی از منطقه تالش ایران گواه بر تطابق فرهنگی میان این منطقه و استپ های روسیه بوده و بدیهی است که تا کنون مورد توجه و مطالعات باستان شناختی قرار نگرفته است.

پیکرک های یافت شده در منطقه گیلان شباهت های قابل توجهی را در کنار تفاوت ها نشان می دهند که قابل تعمق و بررسی است.

مسئله مهاجرت هرچند همچنان بصورت یک فرضیه در میان باستان شناسان اهمیت خود را حفظ کرده است لیکن موضوع رساله نگارنده چندان با آن درگیر نمی شود. مسئله معنا شناسی پیکرک ها یا به مفهوم دقیق تر رویکرد محتوایی و معنایی به پیکرک های هزاره دوم و هزاره اول پیش از میلاد در واقع موضوع محوری رساله است.

مسئله معنا با تبادل باورها و نقل و انتقال نظام های فکری و اعتقادی یا ایدئولوژیک از منظر مبادلات تجاری و فرهنگی بیش از همه مورد توجه و بحث رساله قرار گرفته است .

لذا توجه به معرفی پیکرک های کشف شده از محوطه های باستانی در دوره مذکور خود قابل تقدیر است که توانسته با دقت و به طور جامع مورد مطالعات معنا شناسانه قرار گیرد.

از جمله نکات قابل اهمیت در این رساله پرداختن به مفاهیم و حضور خدایان مونث در میان

پیکره های قلمرو یاد شده است که در واقع انتقال باورهای مذهبی و میزان تاثیر و تاثر آنها را مشخص می سازد. بدیهی است در صورتی که بیشتر به این مهم پرداخته شود شاید در آینده بتواند مبهمات بسیاری را پاسخ گو گردد.

به هر حال توجه به ریشه اعتقادات در ایران و آسیای میانه در این رساله قابل توجه و مطالعات بیشتر در حوزه محوطه های باستانی آسیای مرکزی است .
اینجانب دکتر حکمت اله ملاصالحی رساله فوق را پژوهشی ارزشمند ، مفید در عرصه مطالعات باستان شناختی عصر برنز و آهن میان ایران و آسیای مرکزی دانسته که می تواند توجه باستان شناسان را به خود جلب نماید .
خوشبختانه ساختار رساله ، فصل بندی و نتیجه گیری و خلاصه آن گویای مندرجات آن بوده است .
امید است در دفاع از این رساله همراهی و همدلی اساتید فن توفیق دانشجوی گرامی را افزون تر سازد.

دکتر حکمت اله ملاصالحی
استاد دانشگاه تهران در گروه باستان شناسی

به نام خدا

رساله خانم کتایون پلاسعیدی برای دریافت درجه دکتری در باستان شناسی با عنوان معنا شناسی پیکرک های آئینی گیلان و مقایسه آن با آسیای میانه در اواخر هزاره دوم و نیمه نخست هزاره اول پیش از میلاد مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت که براساس آن می توان چنین اظهار نظر کرد که پژوهش نگارنده یکی از موضوعات بسیار جالب و قابل تعمقی است که تاکنون در حوزه معنا شناسی آن کمتر به آن توجه شده است.

پیکرک های انسانی و حیوانی یافت شده در دوره تاریخی مورد مطالعه شباهت های قابل توجهی را در کنار تفاوت ها نشان می دهند چرا که آن ها را میراث مهاجرانی از آسیای مرکزی در فصل یخبندان به دو سوی دریای مازندران می توان تلقی کرد.

بنابر اطلاعات موجود از محوطه های باستانی متمرکز در تاجیکستان و ترکمنستان و مشابهات اندک آن ها با نمونه های مکشوفه از ایران قابل مقایسه نیست، لذا شاید تعاملات تجاری و فرهنگی بین این مناطق چندان تنگاتنگ نبوده باشد، اما اینکه برخی از شواهد نشانگر الهام گیری از باورها و اعتقادات ساکنان خراسان و مرغانه و باختر بر اقوام ساکن در آسیای مرکزی تواند گواه نشان از مسیر جهان بینی مدددهی و آئینی انتقال یافته بین این تمدن ها باشد.

توجه به معرفی معناسناسانه پیکرک های مکشوفه از محوطه های باستانی مربوط به این دوره در ایران و آسیای میانه خود قابل تقدیر است که با این دقت و بطور جامع مورد مطالعات مفهومی و معناساختی آئینی قرار گرفته است .

یکی از مهمترین ویژگیهای این رساله مطالعات معناساختی درخصوص خدایان مونث در میان پیکرک ها در قلمرو تحت مطالعه انتقال باورهای مذهبی را بیان می کند که به رغم اندک بودن تعداد در میزان تاثیر گذاری نقش آفرین بوده اند و در واقع جایگاه اجتماعی زنان در این دوران قابل تعمق بیشتری است که می تواند پاسخ گوی بسیاری از سوالات در این دوران باشد.

اینجانب دکتر اتوسا مومنی رساله فوق را یک نوآوری در این دوره تاریخی می دانم که از طریق آن می توان به باورها و اعتقادات و روابط فرهنگی و آئینی و مباحث زیباشناسانه در ساخت و فرم این پیکرک ها پی برد.

دکتر اتوسا مومنی

معاونت روابط بین المللی بنیاد ایران شناسی